

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ ژان-کلود پای و تولای اوماي par Jean-Claude Paye et Tülay Umay

برگردان از فرانسه: حمید محوی

۱۹ اپریل ۲۰۱۲

اعدام بی دادگاه قذافی :

تصویر انسان قربانی و بازگشت بربریت



به نمایش گذاشتن تصاویر اعدام بی دادگاه معمر قذافی (لنشاژ)، به جوامع ما در غرب شفافیت خاصی می بخشد. نمایش عریان اعدام بی دادگاه ما را دچار فلج کرده و می خواهد که سلاح هایمان را به زمین بگذاریم. این نوع قربانی ترجمان بازگشت به جامعه مادر سالار و بازگشت به عصر «حاکمیت طبیعت» است. با متوقف ساختن ما در مقابل خشونت که بر آن جامعه تقدس پوشانده اند، چنین تصاویری به روشنی به ما نشان می دهد که امپراتوری ایالات متحده سیر قهرانی بی بدیلی را در تاریخ بشریت به ثبت رسانده است. تصاویر به نمایش گذاشته شده

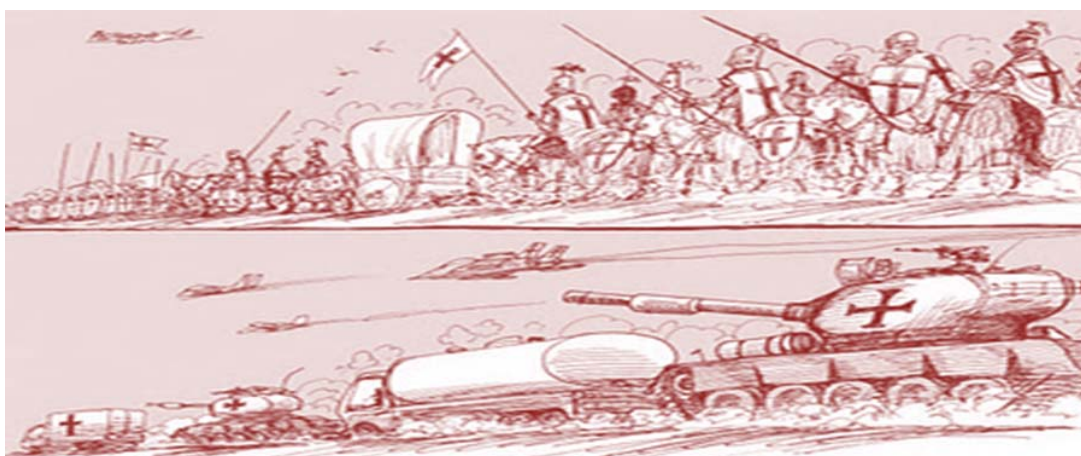
نشان می دهد که هدف از چنین جنگی تنها فتح شیء، چپاول نفت یا ذخیره دارائی های لیبیا نبوده، بلکه به همان شکلی که در دوران جنگ های صلیبی رواج داشته، به هدف تخریب نظم نمادینه، به نفع ماشین لذت و بهره مندی سرمایه داری افسار گسیخته انجام گرفته است.



به مناسبت پخش تصاویر اعدام بی دادگاه معمر قذافی، رهبران سیاسی ما شادی شگفت انگیزی از خود نشان دادند. «شای شگفت انگیز» (۱)، در رابطه با این تصاویر فوراً اعدام صدام حسین در روز «عید قربان» را تداعی می کند (در سنت مسلمانان) (۲). این دو مورد ما را به ساختار مذهبی هدایت می کند، در این قربانگاه انسان به جای قوچ تقدیم خدایان می شود و بر این اساس به معنای باز سازی تصویر بدوی الهه مادر (۳) است. به این ترتیب است که می بینیم که انجیل عهد عتیق واژگون گردیده و کلام باطل می شود. این مذهب بی کتاب به طلسم (فتیش) (۴) تکیه دارد، و فاقد آن ذخیره فرهنگی و زبانی است که معمولاً باید به تشکل فرد یا فاعل شناسنده بینجامد (به زبان روانکاوی در مکتب لکان : فاقد غیر بزرگ است)، و فاقد قانون است، و بر اساس قاعده ای ساده، تنها لذت تماشای بازنمایی مرگ را مجاز می دارد.



Mondialisation.ca, Le 18 novembre 2011



به یمن تصویر، خواست قدرت (قدرت خواهی) بی حد و مرز می شود. ارتکاب به گناه، یا نقض قانون، نه در زمان و نه در مکان، تنها به آئین قربانی محدود نمی گردد، بلکه دائمی بوده و مرجع این خشونت دائمی نیز همان نظم حقوقی است که پس از سوء قصد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بنیانگذاری شد.

L'agence AFP, Philippe Desmazes



عکس از اعدام بی دادگاه قذافی توسط عکاس بنگاه خبری فرانسه، فیلیپ دماز.

محصور در تراژدی

طرز رفتار با بدن معمر قذافی، بیانگر تمام آن تراژدی است که مردم لیبیا زندگی می کنند. رفتار با جسد او به شکل مضاعف نظم نمادینه این جامعه را پایمال کرد. در آئین مسلمانان متوفی باید در همان روز مرگش به خاک سپرده شود، و همین نخستین نظم نمادینه ای بود که مورد بی حرمتی قرار گرفت، و جسد او را به مدت چهار روز در سردخانه در معرض تماشای عمومی گذاشتند. چنین نمایشی همراه بود با دفن جسد در مکانی سرّی و رد در خواست همسرا و از سازمان ملل متحد، برای تحویل گرفتن جسد شوهرش.

این تصمیم مضاعف از جانب «قدرت حاکم» نوین در لیبیا، مردم این کشور را در وضعیتی قرار داد که پیش از این در تراژدی یونانی شاهد آن بوده ایم. با ممنوع ساختن خانواده برای انجام آئین به خاک سپاری متوفی، قدرت حاکم نوین خود را جایگزین نظم نمادینه ساخت. با حذف هر گونه نقطه مفصلی بین «قانون انسان ها» و «قانون خدایان»، شورای ملی موقت آنها را در هم ادغام کرده و انحصار امور روحانی را به تصاحب خود در آورد، و بر این اساس خود را بالاتر از سیاست قرار داد.

تصمیم شورای ملی موقت، با رد انجام آئین به خاک سپاری توسط خانواده متوفی و به نمایش گذاشتن جسد به هدف حذف [دال] بدن و به این نیت که تنها تصویر مرگ حفظ گردد. زیرا حق ارضا و لذت از تصویر مرگ نمی بایستی با هیچ محدودیتی مواجه شود. طلسم (فتیش - مترجم: شیء کمال مطلوب و در عین حال بدلی که در ضمیر باطن و نزد فاعل ناخودآگاه به شکل انحرافی به جای اصل تلقی می شود) رانش اجباری (اعمال تکراری ناخودآگاه) را تداوم می بخشد. به این ترتیب، رانش حالت مستقلی پیدا می کند و بی هیچ تفکیکی، از تصویری به تصویر دیگر، از مرگ به میراندن ادامه می یابد. کار کرد این رانش افزایش خواست قدرت (یا قدرت خواهی) است.

کسب مقام ارباب برای آن چه باید دیده شود

به این ترتیب، بی حرمتی به بدن چیزی نیست به جز یکی از عناصری که آن را به طلسم مبدل می سازد. جوهر اصلی در تصاویر اعدام بی دادگاه قذافی نهفته است. او توسط «جی اس ام» (سامانه جهانی ارتباطات همراه) اسیر

شد، که فضای رسانه ای را اشغال کرده و همانند دایره ای بسته عمل می کند، در زمان واقع وارد زندگی روزمره ما می شود. «جی اس ام» بی آن که متوجه باشیم، ما را تحت نظر دارد. ما (ما تماشاچیان) نیز جزئی از صحنه هستیم، زیرا در رانش بصری، با دیدن شیء بازنمایی شده است که اعدام بی دادگاه به آئین قربانی تبدیل می شود. تصاویر، افرادی را به ما نشان می دهد که در حال عکس گرفتن از صحنه هستند و از نمایش فیلمبرداری شده احساس شادی و شمع می کنند. تصاویر لحظه نگاه را نشان می دهد. دیگر شیء نیست که به عنوان قربانی نشان داده می شود، بلکه مفهومی به تماشا گذاشته می شود که بر آن چیزی تسلط یابد که باید دیده شود.

اعدام بی دادگاه به عنوان تصویر، یک سنت غربی است. اعضای کو کلوکس کلان از قربانیانشان عکس برداری کرده و نشان دادن انسان قربانی را مانند نمایش تلقی می کنند. کاری که با قذافی کردند مشخصاً از چنین فرهنگی منشأ می گیرد. با این وجود روی یک نکته از یکدیگر قابل تفکیک هستند. صحنه پردازی های عملیات کوکلوس کلان دارای تشریفات خدشه ناپذیری است، و از نظم اجتماعی راز و رمز مدارانه ای پیروی می کند.

در این جا، تصاویر «جی اس ام» فارق از هر گونه دال (۵) است. تصاویر واقعی تر از واقعیت جلوه می کنند، و واقعیت را به تسخیر خود درمی آورند، بالفعل، تنها در حالت نیستی هستی پیدا می کنند. تصاویر در هم پاشیدن جامعه و به تبع آن حرکت امپراتوری را به عنوان قادر مطلق نشان می دهد.

این تصاویر جهانی را نشان می دهد که در حال واژگونی دائمی بوده، و ما را دچار هراس و روانپریشی می سازد. این تصاویر تمام رابطه با غیر را تخریب کرده و تنها عناصر درونی را مخاطب قرار می دهد و هدفش جلب رضایت آنها است.

خلاف زبان که به حیطه جمعی تعلق دارد، تصویر هر یک از ما را به شکل انفرادی مخاطب قرار می دهد. تصویر هر گونه پیوند اجتماعی و هر گونه نمادینه سازی را نفی می کند. تصویر الگویی از یک واحد اجتماعی است. بر این اساس، این تصاویر، نه درباره خود منازعه، بلکه درباره وضعیت جوامع ما خیلی حرف برای گفتن دارد. و به همین ترتیب، درباره برنامه آینده لیبیا نیز خیلی حرف دارد: جنگی پی در پی.

قربانی کردن قربانی

این تصاویر میراندن یک قربانی را نشان می دهد. بر اساس تحلیل رنه ژیرار و خوانشی که از انجیل عهد جدید ارائه می دهد، مفهوم خشونت را که بر اساس تقلید انجام می گیرد تداوم بخشیده و به روز می آورد (۶). از طریق تکرار قربانی، ما را به خشونت بی هدف نزدیک می سازد. خشونت بی هدف به عملی غیر ارادی و رانشی تبدیل می شود. اگر قربانی تنها با حضورش مولد خشونت می شود، بر خلاف آن چه رنه ژیرار مطرح کرده است، اجازه متوقف ساختن آن را نمی دهد. در نتیجه صلح تنها می تواند موقتی باشد. صلح موقتی تنها بازه ای است برای آماده کردن جنگی دیگر. هر قربانی قربانی دیگری را فرا می خواند. تخریب لیبیا باید با تخریب سوریه و ایران ادامه پیدا کند... خشونت پایان ناپذیر و بنیانگذار.

همان گونه که در داستان های مسیحی می بینیم، تفسیرهای مرتبط به مرگ قذافی در رسانه ها بزرگ گله را به قربانی گله تغییر داده است. اگر قذافی بی دادگاه اعدام شد، علت اصلی «خواست خود او بوده است که به این شکل بمیرد». او قربانی خشونت بیرونی نبوده، زیرا از قانونی درونی پیروی کرده است. اعدام او حاصل خواست او برای مقاومت نبوده، بلکه سرنوشت شخصی او چنین بوده است. این راه کار مسیحائی توسط رنه ژیرار نیز مطرح

شده است. چهره مسیح در مفهوم بزرگتر گله جا به جایی ایجاد می کند، و به جای آن قربانی گله را جایگزین می سازد، یعنی شهادتی که برای باز خرید گناه اولیه به وقوع می پیوندد.

بر این اساس فارغ از تعهد نمادینه (۷) و هر گونه تعلق اجتماعی، این تصاویر و تفسیر های آن به شکل نظام یافته در واژگون ساختن قانون نمادینه شرکت دارد، و به همین ترتیب در وضعیت فوق العاده ای که به شکل دائمی از فردای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برقرار شد. در نتیجه، قدرت سیاسی به کسب تقدس نائل آمده و خود را جایگزین نظم نمادینه ساخت.

سیر قهرانی : از زبان تا تصویر یگانگی با الهه مادر



گزارشات تصویری از مرگ قذافی ما را به دورانی باز می گرداند که قربانی کردن انسان، مرکزیت خاصی در ساخت و ساز اجتماعی داشته، و بازگشت به فانتسم اولیه در یگانگی با مادر را مطرح می سازد (۸). تحقیقات مردم شناسی و به همین ترتیب روانکاوی (پسیکانالیز) به ما نشان داده اند که قربانی کردن انسان به معنای بازگشت به ساختار مادرانه است. عشق و قربانی را باید از خصوصیات ساخت و سامان اجتماعی بدانیم که تفکیکی بین نظم سیاسی و نظم نمادینه قائل نمی شود. الگوهای جامعه مادر سالار است که در این جا فرد را در قدرت مادرانه به حالت ذوب در می آورد (مترجم : ذوب در حاکمیت مادر سالارانه، به مصداق اصطلاح «ذوب در نظام»).

این تصاویر بی گمان در پیوند با سنت دیرینه مسیحیت قابل درک می گردد، یعنی در واژگون ساختن آن چه که در اصل و اساس انجیل عهد عتیق نهفته است. داستان ابراهیم به دورانی بیعت گذار تعلق دارد که از آن پس، قربانی کردن انسان ممنوع می گردد. مرگ مسیح، به شکل معکوس، اسحاق قربانی در وضعیت واژگون شده است. به جای قوچ قربانی که جایگزین پسر می شود، این بار پسر - مسیح است که جایگزین قوچ (یا گوسفند) می شود (۹).

در انجیل عهد عتیق مرگ قوچ، مرگ خدای اولیه بوده، و جا به جایی قربانی واقعی به سوی زبان را به شکل نماد تحول می بخشد : «اگر خدائی وجود دارد، او را در زبان می یابیم» (۱۰).

این روند آغاز پیدایش و کار بست استعاره و ایجاد تغییر و تحول در واقعیت است. عمل جا به جایی و استعاره که در قلب این داستان جای دارد، شیوه هائی را تشکیل می دهد که به قوانین زبان تعلق دارد (۱۱).

قانون زبان حاکی از بیگانگی هویت کلمه و شیء است. در جنگ علیه لیبیا، از همان آغاز ما خارج از زبان قرار می گیریم. قذافی مستبد است، زیرا او را به این شکل نامیده اند. کشتار هائی که رژیم او مرتکب شده است، نیازی به

اثبات ندارد، ولی تنها تأیید کرده اند که چنین بوده است. تصویر دیکتاتور به تنهایی کافی خواهد بود، و چنین تصویری هیچ تناقضی با خودش ندارد، زیرا با واقعیت سر و کاری ندارد. چنین تصویری واقعی تر از واقعیت است.

پایان هر گونه نظم نمادینه

قانون زبان پذیرش این امر است که زبان پیش از همه به زبان تکلم غیر تعلق دارد. قانون زبان، بازشناسی توسط انسان نسبت به فقدان و ناکامل بودن خویش است. این نماد سازی از طریق ثبت وابستگی فرد به غیر انجام یافته، و آغاز حرکتی است برای روند بازشناسی متقابل، و به همین ترتیب تشکل جامعه انسانی (۱۲). قانون زبان، دین یا قرض نمادینه را مطرح می سازد (۱۳)، سیستم مناسباتی که فرد در آن جای می گیرد و در رابطه با خودش حق پدیری ندارد. این دین یا قرض نمادینه، خلاف گناه اولی، موجب یگانگی می گردد، زیرا فرد را - از نقطه آغازی که باید به تحول در او بینجامد (یعنی فرایندی برای شدن در رابطه فرزند و پدر نمادینه) -، در رابطه با دیگری قرار می دهد.

قذافی کاملاً در نظام سرمایه داری جای نگرفته بود. او هم چنان بر اساس ارزش های جامعه سنتی عمل می کرد، این موضوع به ویژه در رابطه با داد و دهش هایی که تشکیل دهنده پیوندهای اجتماعی می باشد، حائز توجه ما باید باشد. زیرا او قویاً از این که «دوستانی» مانند سرکوزی، برلوسکونی یا تونی بلر او را ترک کرده بودند، متأثر شده بود (۱۴). قذافی تصور می کرد که با هدایای گوناگونی که به آنها اعطا کرده، موجب نظمی در بازشناسی متقابل خواهد شد و بر این اساس از او پشتیبانی خواهند کرد. بر این اساس رفتار او در رابطه با دوستانش نشان می دهد که هیچ چیزی از سرشت سرمایه داری نمی دانست. در نظام سرمایه داری هر گونه رابطه اجتماعی باطل می گردد. اگر در جوامع قدیمی، داد و ستد اشیاء به عنوان تکیه گاهی در روابط انسانی کارکرد داشت، ولی در جامعه سرمایه داری، کالا و پول عامل اصلی به حساب می آید. داد و دهش های قذافی برای آنهایی که دریافت می کردند، پیش پرداخت هایی تعبیر می شد که آن را حق خود می دانستند. خدایان تاریکی های این جامعه چیزی نیست به جز خدایان بازار.

تصاویر لذت

از طریق زبان، انسان از طبیعت و از الهه مادر که فاقد درون و بیرون است فاصله گرفته و قابل تفکیک می شود. قتل، به جای آن که بنیانگذار باشد، باطل می گردد تا زبان را قابل دسترسی سازد. بر این اساس نظم انسانی از نظم الهی قابل تفکیک می گردد. فرد، دیگر کودک «قادر مطلق» نیست (کودکی که خود را قادر مطلق می پندارد)، او از سیطره قدرت مادرانه خارج می شود.

به عکس، تصاویر اعدام بی دادگاه قذافی ما را به دوران اولیه و قادر مطلق (مترجم: توهم قادر مطلق) باز می گرداند، و ما را در رابطه با ساختار مذهبی، پیش از اعلام ممنوعیت [انسان- قربانی] قرار می دهد. این عکس ها ما را در مجاورت خشونت قرار می دهد که خشونت از نوع هم خوابگی با محارم است، که در رانش لمسانی و درنده خو تحقق می یابد (۱۵). این جا، امر لذت در جایگاه سیاست قرار دارد. مثال بارز این موضوع را در مصاحبه هیلری کلینتن می بینیم، که تصاویر قربانی را به مثابه هدیه دریافت می دارد. خوشحال. هیلری کلینتن قدرت تمام و کمال خود را به اهتزاز در می آورد و شادی اش را از اعدام بی دادگاه به نمایش می گذارد: «ما

آمدیم، دیدیم، او [قذافی] مرده است.» او این جمله را در میکروفن شبکه تلویزیونی «سی بی اس» اعلام می کند. (۱۶)

خشونت که بر رئیس جمهور لیبیا روا داشته شد، برای دیگر رهبران غربی فرصت مناسبی را فراهم ساخت تا از موفقیت طرحی که مقدما خودشان نقشه آن را طرح ریزی کرده بودند، رضایت خاطر و شادی شان را اعلام کنند. آلن ژوپه وزیر امور خارجه فرانسه و اروپا در این مورد گفت: «برای قذافی اشک نخواهیم ریخت.» (۱۷)

بدن مثله شده در جایگاه شمایل (آیکن) خشونت

واکنش رهبران سیاسی ما، پس از پخش تصاویر، به روشنی تأیید می کند که هدف جنگ، نه حفاظت از جان شهروندان که حذف قذافی بوده است. با این وجود، در اعلامیه ۱۵ اپریل، بارک اوباما، نیکلا سرکوزی، دیوید کامرون که هم زمان در تایمز، انترناسیونال هرالڈ تریبون، الحیات و فیگارو منتشر شد، مشخصا گفته شده بود که: «موضوع حذف قذافی از طریق اعمال زور نیست. ولی با این وجود تصور آینده ای برای لیبیا با وجود قذافی، امکان ناپذیر است.» به این اساس، خشونت او در پافشاری اش برای ماندن در قدرت بود، در حالی که می بایستی قدرت را رها کند. تصویر قذافی به عنوان فردی مستبد تلقی شده بود زیرا نتوانست بذل توجه رهبران غربی را نسبت به مردم لیبیا جلب کند. آلن ژوپه در ادامه مطلب بالا اضافه می کند که: «او (قذافی) به شکل خشونت باری واکنش نشان داد. شرایط خوبی برای واگذاری قدرت به او پیشنهاد شده بود، ولی نپذیرفت.»

رسانه ها به ما اطمینان می دهند که «دیکتاتور ها همیشه به همین سرنوشت دچار می شوند». اعدام بی دادگاه به تنهایی تبدیل به نشانه ای برای اثبات وجود دیکتاتور می شود، و به عبارت دیگر خشونت به تنهایی تبدیل به نشانه ای می گردد که گوئی عناصر نامرئی را آشکار می سازد. چنین جراحاتی آن چه را که نتوانستیم ببینیم، به ما نشان می دهد: یعنی اعمال خشونت خود به تنهایی به دلیلی و مدرکی برای اثبات کشتارهای دائمی که به قذافی نسبت داده شده، تلقی می شود. جراحات و خشونت ها بر ملا کننده نیت آن بوده، یعنی آن چه که به نام آن، ناتو مداخله اش را توجیه کرده است.

در نتیجه بین کشتارهایی که به سرهنگ قذافی نسبت داده اند و بدن خون آلود او انطباق هویتی صورت می گیرد. نشانه هایی که روی بدن هنوز زنده او، و سپس نشانه هایی که روی جسد او دیده می شود، نشانه های خشونت «آزاد کنندگان» نبوده، بلکه به عنوان نشانه هایی از خون ریخته شده توسط قذافی جلوه می کند. خشونت قتل به ما نشان می دهد که موضوع کاملا انتقام گیری بوده، و گواه بر آن است که مجریان آن قربانیان بوده اند و قتل انجام گرفته از عرف مقدسی تبعیت کرده است.

نمایش قدرت بی حد و حصر

تصاویر انجام قربانی به رهبران ما اجازه داد تا قدرت بی حد و حصر خود را به نمایش بگذارند. وزیر دفاع فرانسه، ژرار لانگه گفت که نیروی هوایی فرانسه، به درخواست مرکز فرماندهی ناتو، کاروان اتومبیل هایی را که در حال فرار بودند و قذافی از سرنشینان آن بوده، بمباران کرده است (۱۸). براین اساس، او نقض منشور شورای امنیت در سازمان ملل متحد را توجیه می کند. به همین مناسبت، آلن ژوپه گفت که هدف از تهاجم، تثبیت حاکمیت شورای ملی موقت در لیبیا بود: «امروز عملیات باید متوقف شود، زیرا ما به اهدافی که تعیین کرده بودیم رسیده ایم، یعنی همراهی کردن نیروهای شورای ملی موقت در آزادی سازی لیبیا که اکنون تحقق یافته

است.» (۱۹). موفقیت تهاجم ناتو، از سوی پیروزمندان، همراه با بیانیه های متعددی بود که نقض دائمی منشور سازمان ملل متحد را به شکل قانونی جلوه می داد. فیلسوف، نویسنده، سینماگر، ستراتیژ و دیپلمات، برنارد هانری لوی در کتابی زیر عنوان «جنگ از روی بی میلی» می نویسد که «فرانسه به شکل مستقیم و غیر مستقیم، به شورشیان لیبیا که برای سرنوشتی معمر قذافی می جنگیدند، مقادیر زیادی اسلحه تحویل داده است.» (۲۰). این بیانیه های مختلف ساختار روانی کودکی را ترسیم می کند که خود را قادر مطلق می پندارد، فالوس دولت مادرانه، قدرتی بی حد و حصر که در فراسوی زبان واقع شده و نیازی به انجام تعهدات خود احساس نمی کند. چنین موضع گیری هائی یادآور بیانیه تونی بلر است که با اعتراف به این موضوع که در عراق سلاح کشتار جمعی پیدا نشده است، با این حال می گوید که جنگ علیه صدام حسین قابل توجیه است، زیرا موجب شد که به حکومت یک دیکتاتور پایان ببخشد.

مقتول بی گناه و قربانی : ارزش هائی برای بازگشت بربریت

قتل قذافی، پیامد عمل «انتقام جویانه قربانیان» چنین است که او مورد قضاوت قرار نخواهد گرفت. این قتل با منافع شرکت های نفتی و کشورهای غربی در تلاقی قرار می گیرد. مناسبات نزدیک با رژیم سرهنگ قذافی به اطلاع عمومی نخواهد رسید. پیامد جایگزین ساختن تصاویر مرتبط به اعدام بی دادگاه به جای دیوان بین المللی کیفری، این است که به جای متوقف ساختن از طریق زبان و سخن، از این پس، خشونت هیچ حد و مرزی نخواهد شناخت. لیبیا، مانند عراق و افغانستان به عرصه جنگی دائمی تبدیل خواهد شد. در مورد رژیم های سیاسی ما، در وضعیت استثنائی دائمی فرو خواهند رفت. این وضعیت استثنائی با پیدایش قدرتی مطلق هم راه است که حرکت سیاسی را در فراسوی هر حق و حقوقی قرار می دهد.

مداخله نظامی که به نام عشق رهبران غربی به مردمانی که قربانی دیکتاتور شده اند، انجام می گیرد (۲۱) و بزرگداشت افتخار آمیز آن را نیز در نمایش قربانی کردن همان دیکتاتور برگزار می کنند، که چیزی نیست به جز نشانی از سیر قهقرائی جوامع ما به سوی بربریت.

شیوه رفتار با قذافی به عنوان قربانی به مثابه شمایل (آیکن) خصوصیت مسیحی جنگی به نام عشق نسبت به قربانیان را تأیید می کند. تخریب لیبیا توسط نیروهای ناتو، در تداوم سنت دیرینه جنگ های صلیبی، جنگ هائی علیه قانون نمادینه که به نام انسان- خدا آموزش داده شده، به وقوع پیوست (۲۲). چنین واقعه ای نتیجه باز سازی اروپای غربی به رهبری پاپ بود (۲۳). امروز، این جنگ، خیلی بیش از جنگ علیه عراق، کشورهای اروپائی را به رهبری امپراتوری ایالات متحده به شکل کلیتی یگانه مطرح می سازد.

جنگ برای دموکراسی نسخه پسا- مدرن «جنگ مقدس» است. «جنگ مقدس» مقدس بوده زیرا نه تنها به این علت که «کافران» را آماج خود قرار می داده، بلکه به این علت که توسط پاپ، نماینده خدشه ناپذیر انسان- خدا، تبلیغ می شده است.

امروز خصوصیت تقدس جنگ حاصل خصوصیت طبیعی دموکراسی نزد بر پا کننده اصلی آن یعنی ایالات متحده است، که رئیس جمهور آن در آغاز ریاست جمهوری اش، حتی پیش از آن که عملاً حرکت سیاسی خاصی از خود نشان داده باشد، جایزه صلح نوبل را به او اعطا کردند. این جایزه رئیس جمهور ایالات متحده را در جایگاه شمایل (آیکن) و بازتاب دهنده تصویر صلح و دموکراسی قرار می دهد. در این نسخه یا برداشت مدنی شده (بخوانید :

تقدس زدائی شده)، تقدس انسان به عنوان تصویر خدا مطرح نبوده، بلکه انسان به عنوان تصویر خودش و سرشت صلح جویانه و دموکراتیک آن مطرح می باشد.

Jean-Claude Paye, sociologue, auteur de De Guantanamo à Tarnac: L'emprise de l'image. Editions Yves Michel, octobre 2011.

Tülay Umay, sociologue.

ژان کلود پای، جامعه شناس، نویسنده « از گوانتانامو تا تارنک : سیطره تصویر. تولای اومای، جامعه شناس

پا نوشت :

(۱)

« *Strange Fruit* »

میوه شگفت انگیز. ترانه ای که به سال ۱۹۴۷ توسط آبل میروپول

Abel Meeropol

برای افشای «جشن کراوات»

Necktie Party

به معنای «اعدام» نوشت که در جنوب ایالات متحده برگزار شده بود و سفید پوستان با لباس های شیک در آن شرکت کرده بودند. این ترانه فرصت مناسبی نیز برای بیلی هالیدی بود که خیلی از آن استقبال شد.

<http://www.youtube.com/watch?v=h4ZyuULy9zs>

مترجم : بخشی از فیلم هالیوودی با شرکت کلینت استوود، «نکته پارتی» را به تصویر می کشد :

Hang em high Part 9

<http://www.youtube.com/watch?v=OsMQABEiRMc&feature=related>

(۲) آبراهام چاقویش را بلند می کند که با آن پسرش را بکشد، ولی به جای کودک، قوچ قربانی را می بیند. این قوچ اولیه است که باید بمیرد، پدر-حیوان، پدر اولیه، یعنی اصل و نسبی تخیلی از نیاکان، ولی الوهیتی باستانی، تصویری درنده از خدا که بی وقفه قربانی می خواهد.

in Jean-Daniel Causse, « Le christianisme et la violence des dieux obscurs, liens et écarts », AIEMPR, XVIIe congrès international Religions et violences ?, Strasbourg, 10-
<http://www.aiempr.org/articles/pdf/aiempr9.pdf> 14 juillet 2006,

(۳) مترجم :



ونوس ویلندورف. پارینه سنگی بالائی ۲۲ تا ۲۴ هزار سال پیش از میلاد. (موزه تاریخ طبیعی در وین در اتریش)
ونوس ویلندورف مجسمه ای از جنس سنگ آهک اولیت مرتبط به دوران پارینه سنگی بالائی بوده و ارتفاع آن
۱۱ سانتی متر است. دولت اتریش صدمین سال کشف این مجسمه به تاریخ ۸ اوت ۲۰۰۸ را با چاپ تمبر پستی
برگزار کرد.

(۴)

Paul Laurent Assoun, *Le fétichisme*, Que sais-je ?, PUF, 1994. « Le fétiche ou l'objet au
pied de la lettre », in *Eclat du fétiche*, Revue du Littoral 42.

(۵)

Signifiant

(۶)

Réné Girard, *La Violence et le sacré*, Le Seuil 1972.

(۷)

Dette Symbolique

(۸) دال اولیه در ابراز تمنا نسبت به مادر، در حالت عادی و به مدد نام پدر، واپس است و در رابطه ما با زبان
وجود دارد. قربانی بازگشت به این حالت طبیعی یگانگی با مادر است.

In Catherine Alcouloumbre, « La métaphore paternelle », *Espaces Lacan*, séminaire 1998-
1999.

(۹)

[6] *Bible Chrétienne*, II, Commentaires, Éditions Anne Sigier, 1990, p. 318, in Nicolas
Buttet, *L'Eucharistie à l'école des saints*, Éditions de l'Emmanuel, Paris 2000, p. 38.

(۱۰)

Jean-Daniel Causse, « Le christianisme et la violence des dieux obscurs, liens et écarts »,
AIEMPR, XVIIe congrès international Religions et violence ?, Strasbourg 2006, p. 4.

(۱۱)

Elles sont le miroir de deux opérations langagières fondamentales que sont la substitution et la combinaison, à savoir l'axe paradigmatique et l'axe syntagmatique, lire : Vincent Calais, *La théorie du langage dans l'enseignement de Jacques Lacan*, L'Harmattan, Paris 2008, p. 59.

(۱۲

Hervé Linard de Guertechin, « A partir d'une lecture du sacrifice d'Isaac (Genèse 22), *Lumen Vitoe* 38 51987), pp. 302-322.

(۱۳

Cette dette, contrairement au péché originel, est unificatrice car elle met en relation l'homme avec l'autre, à partir d'un devenir et non d'un originaire. Le péché originel au contraire enferme dans l'image d'un surmoi.

(۱۴

«قذافی ترجیح می داد «در لیبیا بمیرد به جای این که توسط دیوان بین المللی کیفری مورد قضاوت قرار گیرد»»
La Libre Belgique + AFP, le 31/10/2011.

(۱۵

« Le sacrifice se centre sur le noyau sacrificiel originel : l'endocannibalisme » in Pierre Solié, *Le sacrifice fondateur de civilisation et d'individuation*, résumé *adhes.net*,
<http://www.adhes.net/Documents/Extraitsdelivres/PierreSoli%C3%A9/LESACRIFICE.aspx>

(۱۶

http://www.dailymotion.com/video/xlvs6g_hillary-clinton-nous-sommes-venus-nous-avons-vu-il-mourut_news

(۱۷

« La mort de Kadhafi marque la fin de l'engagement de l'OTAN en Libye », *LeMonde.fr* avec AFP, le 21/10/2011.
http://www.lemonde.fr/libye/article/2011/10/21/la-mort-de-kadhafi-marque-la-fin-de-l-engagement-de-l-otan-en-libye_1591699_1496980.html

(۱۸

« L'aviation française a stoppé le convoi de Kadhafi, affirme Longuet », *TF1*,
<http://videos.tf1.fr/infos/2011/l-aviation-francaise-a-stoppe-le-convoi-dans-lequel-se-trouvait-6778966.html>

(۱۹

«مرگ قذافی به مفهوم پایان حضور ناتو در لیبیا است» (لو موند

LeMonde.fr, Op. Cit.

(۲۰)

« Les coulisses de la guerre selon BHL », *La Libre Belgique*, le 7/11/2011,
<http://www.lalibre.be/culture/livres/article/698459/les-coulisses-de-la-guerre-selon-bhl.html>

(۲۱)

Jean-Claude Paye, Tülay Umay, « Faire la guerre au nom des victimes », *Réseau Voltaire*,
le 9 mai 2011,
<http://www.voltairenet.org/Faire-la-guerre-au-nom-des>

(۲۲)

موريس بله. «خدای منحرف»

Maurice Bellet, *Le Dieu pervers*, Desclée de Brouwer, Paris 1979, pp 16-17.

(۲۳)

[20] Paul Rousset, « Les origines et les caractères de la première Croisade », La
Baconnière, Neuchâtel 1945.

منبع :

Le lynchage de Kadhafi: L'image du sacrifice humain et le retour à la barbarie.

par Jean-Claude Paye et Tülay Umay

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=27734>

مقالات دیگری که از ژان کلود پای در گاهنامه هنر و مبارزه منتشر شده است :

(۱) ژان کلود پای. پایان مالکیت خویشتن. (تأملاتی درباره خودکشی کارگران و کارمندان در فرانسه) ۲۳ اکتبر

۲۰۱۱

(۲) پسیکوز نزد آندرس برینگ برویک پدیده «جنگ تمدن ها». نوشته ژان-کلود پای. ۲۸ مارس ۲۰۱۲

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۳ نومبر ۲۰۱۱